



۲۰۱۷/۴/۸

سخی صمیم

پناهجویان سیه روزداد خواهی می کنند غریودر غربت با التماس «عدالت»

بر اساس تصمیم اجلاس عمومی سازمان ملل متحد که ۲۰ فبریه را به نام «روز جهانی عدالت اجتماعی» نامگذاری نموده اند مدتی قبل - ازین روزبه گونه های مختلف چون نوشتاری، گفتاری و تصویری در رسانه ها یاد آوری و مفهوم عدالت به گوش وسمع مردم رسید و مردم هم ازین روزبگونه های مختلف نیکو داشت نمودند ولی ضمن سمع و استماع این واژه رنگین و مقدس پرسشها و سوالهای نیز مطرح می گردید که: این تعهدات تا کدام سرحد صبغه اجرایی داشته و به کدام پیمانه عملی شده است؟ ببینید:

دولت های جهان در اجلاس عمومی سازمان ملل تعهد نموده اند که درکشور های خود برای ایجاد و به میان آوردن «جامعه ای برای همگان» دستیابند وسازوکارهای سازماندهی کنند که عدالت اجتماعی را در محدوده ملی و جهانی پهن و گسترش دهند، ایشان وعده داده اند که ثروت را در کشور های خود طور عادلانه تقسیم و امکان دسترسی همگان را بر نعمت های مادی فراهم سازند و بر همین منوال تعهدات زیاد دیگر.....

درین اجلاس اعلان گردیده است که توسعه ورشد بیشتر بایست ایجاد گر عدالت و برابری اجتماعی که بر شالوده حقوق بشرو آزادی های بنیادی انسان استوارباشد و جامعه عادلانه به میان آید.

و در نهایت روز جهانی عدالت اجتماعی انگیزه سازنده برای افزایش تلاش وسعی در راستای فقر زدائی، پیدایش فرصت های شغلی، شرایط بهتر کار انسانی و دستمزد عادلانه، برابری عدالت جنسی، دستیابی به رفاه اجتماعی و در فرجام آنچه در قاموس سیاسی «عدالت اجتماعی» موافق باشد ایجاد شود.

آری: شنید این مفاهیم مقدس به معنی واقعی آن خیلی ها دلپذیر و بهجت آفرین است منم با استماع و مطالعات مطلب یاد شده به فکرو اندیشه آن شدم که به دور این هسته بچرخم وکوشش نمایم تا این واژه مقدس «عدالت» را خوبتر بشناسم و ارادتم را بر آن مستحکمتر سازم بر مبنای همین انگیزه به آدرسهای مختلف سرزدم وبگونه پژوهش و معلومات - نظریاتِ قائم بر موضوع را مطالعه و خواندم و از مزایای آن تا جائیکه هوش وظرفیت توانم اجازه میداد فیض بردم، ولی از همه جالبتر نبشته یافتم که در صفحه فیسبوک شخصیت سرشناس جامعه افغانها در خارج کشور محترم «میرعید الواحد سادات» زیر عنوان (سراب عدالت اجتماعی) نبشته با مغز و وزینی یافتم که در ارتباط به موضوع مطالب ارزنده از صفحه دوچه ویله صدای فارسی آلمان گرفته شده بود، آن را خوب خواندم تا جائیکه توانستم همه را ضرب و جمع کردم و مثبت و منفی نمودم: نتیجه به آنجا رسید که تعاریف و مفاهیم عدالت اجتماعی در تیوری آنقدر شرین، عادلانه و بشریست که خواننده مجذوب وگرویده آن می شود - عدالت اجتماعی و برابری حقوق، جامعه حقوقی برای همه، عدالت اجتماعی که ریشه در حقوق بشرو آزادی های بنیادی

انسان داشته و از آن چشمه آب میخورد مشرح انعکاس یافته و عدالت اجتماعی و جامعه برابر بر همه، درین مطالب رنگین و سبز که می تواند خالق انگیزه و محرک توانابری ایجاد جامعه مرفه باشد اقامه و برجسته شده است. بر میگردد بر اصل گفتنی ای که بایست پرسشگونه طرح و یادآوری شود، همانطوریکه در متن این نیشته آمد روز بیستم فیروزی در اجلاس سازمان ملل بنام روز «جهانی عدالت اجتماعی» تسمیه و هر سال از آن یاد آوری و بسا هم تجلیل میگردد.

سوال اینست که: همین تسمیه و اختصاص یکروز بنام عدالت اجتماعی و انگیزه دادن آن برای تحرک و عمل در به سر رسانیدن ارمانهای اجلاس سازمان ملل چه نتایجی را بار آورده و چه تأثیری بر زدودن رنج و درمان فقر بجا مانده است؟ تسمیه و قدرشناسی از مفهوم عدالت اجتماعی و ارج گذاری به اهمیت آن از وجدان بیدار نشأت می کند ولی درکنار آن راه های مؤثری بر تحقق عدالت جستجو شده است؟ ببینید:

اگر این تسمیه را باحسن نیتیکه در متن گذارش اقامه شده صرف بر انگیزه دهی و فزون سازی فعالیتهای دول در راه تأمین عدالت اجتماعی و برابری در جامعه توجیه نمائیم در ظاهر امر، عیبی نخواهد داشت، ولی نباید فراموش کنیم که ما با این طرز دید و خوشبینی سالم از حدیث و سخن خویش بطور عام در پراتیک و عمل در نقاطیکه عوض عدالت قساوت تحقق یافته است - مثمر ثمری نخواهیم شد - زیرا درین مرحله ای که هنوز گذار این تیوری ها و آرزوهای دلسوزانه و خوشبینانه در عمل و پراتیک در اکثریت نقاط گیتی به مشاهده نمی رسد و نظریات ارائه شده بطورمکمل به حد یک ایده باقی و گذاری از آن به عمل نیامده است ذکر و تصمیم، جشن گیری از عدالت اجتماعی مبنی بر تصامیم اجلاس ملل متحد نباید سر زبانها بوده و مایه افتخار و مباهات گردد.

بگونه مثال دیده میشود کتله عظیمی از سیه روزان مهاجرو آواره که دار و ندار و خانه و کاشانه خود را به امید رسیدن به سرزمین رؤیائی خود ها لیل و لایل کردند و بهای قاچاق پرداختند اکنون همان نگویند بختان در ساحه دید و نظر ملل جهان دچار چه سرنوشتی گشته اند؟ این فلکزدگان ستمکش با چه حد و اندازه غرق دریا و بحر شدند و به چه پیمانه اولاده خود را به فحواى شعر آن شاعر مردمی آقای فانی «چون صدف دانه به نهنگ و غزال وار چوچه به پلنگ فروختند» و آنانیکه ازین معرکه خشونت و خشم روزگار با ترحم طبیعت زنده ماندند و به سرزمین رؤیائی خود رسیدند چنان روزی را تجربه می کنند که دیگر به زندان روی زمین محصور و به تنگنای شکنجه های روحی گرفتار و غذای شبا روزی ایشان خون دل و ماتم مرده ها است و این فلک زدگان نگویند بخت حتی از ضروریات مواد اولیه خوراک انسانی بهره مند نیستند، این حالت فاجعه بار مشهود آوارگان را در نقاط مختلف جهان «عدالت اجتماعی» نام می گذارید؟

و به همین منوال در آن گوشه ای از دنیا در محدوده و جغرافیای به نام افغانستان یا دوزخ روی زمین و آوارگانش در داخل و خارج کشور چه وحشتی در جریان است که: تاریخ از نوشتن چنین روزگاری خجالت آور رنج می برد - پس همین وضع را در آن مکانیکه شامل نقشه کره خاکی است «عدالت اجتماعی» بخوانیم؟ آیا لازم نیست علت و انگیزه اصلی چنین در بدری را جستجو و چاره سازی نمائیم؟

علت و انگیزه ها:

بیانید از خود پرسیم که: تا هنوز علت و علایل چنین در بدری و سوختن و ساختن این آوارگان در هر گوشه و کناردنیا تشخیص گردیده و انگیزه های تحمیلی و یا قبولاندن این بد بختی هابالای چنین ابنای بشر درین زندانها و زجر کشیهای اطفال روشن شده است؟ این مردم بلا کشیده و ستم دیده نقاط مختلف جهان از خود وطن و کاشانه ای داشته اند؟ اگر داشته اند چرا جای گرم و محل تولد و زادگاه خود ها را ترک و خود ها را طعمه بحر و گوسفندان قصاب ساخته اند؟ جواب این پرسش را از جو حاکم جامعه افغانی جویا شوید: پس بهتر است چنین پاسخی دوباره با پرسش جواب گفته شود: آنها نیکه خود را با سر نوشت شوم ذکر شده فوق دچار و هست و بود خود ها را نابود و قایل های خویش را تباه ساخته اند از شوق و مستی بوده است؟ و اگر نیست علت و انگیزه درین گزینش زندان چیست؟ ببجاست اگر گفته شود؟ نبود امنیت، موجودیت بر بریت، وحشت و قساوت، زوال قانون و قانونیت و... و.. و بالاخره محو عدالت و غیره و غیره تعداد از علت و دلایل معقول آن بوده نمیتواند؟

توجه فرمائید: همه خواهان این جواب است که چرا در راه نابودی و زدودن علت اصلی این بدبختی هائیکه برجسته گردید دست بکار نمیشوند تا معلول مرتب بر علت نابود و مشکلات عاید مرفوع گردد.

آیا میشود چنین حالتی را که همین اکنون در دید رس همان متعهدین کشور های اجلاس ملل متحد قرار دارد «عدالت اجتماعی» نامید؟ آیا متعهدین اجلاس ملل متحد این غریو و دادخواهی کودکان، اطفال، زنان و مریضان از پا افتاده را با زجه و ناله آنها دیده و شنیده اند؟ و اگر پاسخ منفی است شعار پائین این نبشته را ملاحظه فرمائید که صدای داد خواهی و زجه آوارگان را می رساند:

غریو و فریادِ داد خواهی ما آوارگان سیه روز به کهکشان ها رسید است
«عدالت اجتماعی» و حقوق بشر این جوهرِ عنقا صفت کجاست؟ به ما
رحم کنید.

نتیجه گیری ازین مطالب: بر باور من: قانونِ درحال نفاذ، حقوقِ تحریر و تسجیل شده به روی کاغذ، اعلامیه ها و مصوبه های منتشره ملل متحد، نبشته ها و نظریاتی که به عمل ازان استفاده نشود و... کاغذ پاره بیش نبوده و ایجاد گر مُثمر ثمری بر جامعه بشری نمیگردد. و مفهوم این پراگراف شبیه آن میشود که:
همه جا دوکان رنگ است همه رنگ می فروشند * * * دل من به شیشه سوزد همه
سنگ می فروشند.

گفتار بی کردار نمایش غذا در پُشت شیشه و وترین است که استفاده ازان مجاز نباشد.

* * *

یاد داشت: اگر اجل مُهلتم دهد و فرصت تجویزم به زودی در ارتباط « اصالتِ حق نسبت به قانون و عدالت مولود آنها » مطالبی را به عرض خواهم رسانید.
با عرض حرمت. سخی صمیم.

www.hoqooq.eu